

بسم الله الرحمن الرحيم

## استقامت در برابر عذرتراشی‌های شرعی

بیانات رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی

یکی از عواملی که در کارهای بزرگ، جلوی انسان را سدّ می‌کند، عذرهای شرعی است. انسان، کار واجب و تکلیفی را باید انجام دهد. ولی وقتی انجام این کار مستلزم اشکال بزرگی است - فرض بفرمایید عده‌ی زیادی کشته خواهند شد - احساس می‌کند که دیگر تکلیف ندارد. شما ببینید در مقابل امام حسین (علیه‌السلام) از این گونه عذرهای شرعی که می‌توانست هر انسان ظاهربینی را از ادامه‌ی راه منصرف کند، چقدر بود! یکی پس از دیگری رخ می‌نمود.

مرحله اول؛ اعراض مردم کوفه و کشته شدن مسلم بود. مرحله‌ی دوم؛ حادثه‌ی کربلا و وقوع عاشورا است. اینجا امام حسین (علیه‌السلام) می‌توانست در مواجهه با یک مسئله، به مثابه‌ی انسانی که حوادث بزرگ را با این منطقی‌ها می‌خواهد حل کند، بگوید: «زن و بچه در این صحرای سوزان، طاقت ندارند پس تکلیف برداشته شد.» یعنی تسلیم شود و چیزی را که تا آن وقت قبول نکرده بود بپذیرد. یا بعد از آنکه در روز عاشورا حمله‌ی دشمن آغاز گردید و عده‌ی زیادی از اصحاب امام حسین (علیه‌السلام) به شهادت رسیدند - یعنی مشکلات بیشتر خودرانشان می‌داد - آن بزرگوار می‌توانست بگوید: «اکنون دیگر معلوم شد که نمی‌شود مبارزه کرد و نمی‌توان پیش برد.» آنگاه خود را عقب بکشد. یا آن هنگام که معلوم شد امام حسین (علیه‌السلام) شهید خواهد شد و بعد از شهادت او، آل الله - حرم امیرالمومنین (علیه‌السلام) و حرم پیغمبر (ص) در بیابان و در دست مردان نامحرم، تنها خواهد ماند - اینجادیگر مسأله‌ی ناموس پیش می‌آید - به عنوان یک انسان غیرتمند، می‌توانست بفرماید: «دیگر تکلیف برداشته شده است. تکلیف زنان چه می‌شود؟ اگر این راه را ادامه دهیم و کشته شویم زنان خاندان

پیامبر<sup>(ص)</sup> و دختران امیر المؤمنین<sup>(علیه السلام)</sup> و پاکیزه‌ترین و طیب و طاهرترین زنان عالم اسلام، به دست دشمنان مردان بی سروپایی که هیچ چیز از شرف و ناموس نمی‌فهمند خواهند افتاد. پس تکلیف برداشته شد.»

اگر امام حسین<sup>(علیه السلام)</sup> می‌خواست در مقابل حوادث بسیار تلخ و دشواری مثل شهادت علی اصغر، اسارت زنان، تشنگی کودکان، کشته شدن همه‌ی جوانان و حوادث فراوان دیگری که در کربلا قابل احصاست، با دید یک متشرع معمولی نگاه کند و عظمت رسالت خود را به فراموشی بسپارد، قدم به قدم می‌توانست عقب‌نشینی کند و بگوید: «دیگر تکلیف نداریم؛ حال با یزید بیعت می‌کنیم چاره چیست؟! «الضرورات تبيح المحذورات» اما امام حسین<sup>(علیه السلام)</sup> چنین نکرد این نشانگر استقامت آن حضرت است.

استقامت یعنی این! استقامت، همه جا به معنای تحمل مشکلات نیست. تحمل مشکلات برای انسان بزرگ، آسانتر است تا تحمل مسائلی که بر حسب موازین - موازین شرعی، موازین عرفی، موازین عقلی ساده - ممکن است خلاف مصلحت به نظر آید. تحمل اینها مشکل‌تر از سایر مشکلات است.

آن کس پایش نمی‌لرزد که اولاً، در حد اعلی بصیرت داشته باشد و بفهمد چه کار بزرگی انجام می‌دهد؛ ثانیاً، قدرت نفس داشته باشد و ضعف نفس نگیرد. این دو خصوصیت را امام حسین<sup>(علیه السلام)</sup> در کربلا نشان داد. لذا حادثه‌ی کربلا مثل خورشیدی بر تارک تاریخ درخشید؛ هنوز هم می‌درخشد و تا ابدالدهر هم خواهد درخشید.

در تاریخ معاصر خود ما، محرم یک حالت ویژه‌ای در نهضت اسلامی پیدا کرد؛ یعنی در محرم سال پنجاه و هفت از سوی رهبر بزرگوار این انقلاب و امام عظیم‌الشان، یک سیاست جدیدی در نهضت و مبارزه اعلام شد. و آن سیاست پیروزی خون بر شمشیر بود. امام در پیام به ملت ایران تعلیم می‌دادند که باید به مناسبت حلول محرم، همان نقشی را ایفا کنید که

حسین بن علی ایفا کرد و آن نقش مظلومیت قهرمانانه و مقاوم است. سیاست مظلومیت مقاوم، درست همان سیاست حسین بن علی است که در ایران هم همین سیاست و عمل شد و موفق شد.

اگر این سیاست نبود، اگر مردم احساس نمی‌کردند علی‌رغم مظلومیت شدیدی که دارند، باید بایستند و باید راه را ادامه بدهند و مقاومت بکنند که همان سیاست حسین بن علی (علیه‌السلام) است اگر این نبود انقلاب پیروز نمی‌شد. امام ما به ما درس داد و آموخت باید این ضرباتی را که بر شما وارد می‌آید، به قیمت جانتان هم که شده، تحمل کنید و راه را ادامه بدهید. دشمن توان محدودی دارد، قادر نیست این ضربات را مرتباً و پی در پی وارد کند و بالاخره از کار خواهد افتاد؛ آن روز، روز مرگ دشمن است؛ همین طور هم شد. این سیاست سیاست مستمر ماست. در طول تاریخ این گونه بوده؛ الان هم همان گونه است؛ و در آینده هم همچنان خواهد بود. (در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۶/۶)